

سید حسین میرجایی

## نظریه انتظارات عقلایی و سیاستگذاری اقتصاد کلان

مدخل :

نظریه انتظارات عقلایی که در دهه ۱۹۸۰ در مجامع آکادمیک و در محافل کارشناسی اقتصاد مطرح بوده است، همچنان موقعیت خود را به عنوان یکی از محورهای اصلی مکتب کلاسیک جدید حفظ کرده است. مقاله حاضر که به بررسی این نظریه پرداخته است، ایندکس ذکر سیر تکوین نظریات انتظارات و مقاصد نظریه انتظارات عقلایی سعی در بیان این موضوع داشته است که نظریه مورد بحث ابتدا از یک روش تحلیلی در حوزه اقتصاد سنجی برای پیش بینی بهتر مشغیرها شروع شده و بند ریج به عنوان یک مکتب فکری جای خود را در کنار سایر مکاتب فکری اقتصاد باز کرده است.

در تحلیل های بخش اول مقاله برخی دستاوردهای معرفت شناسانه نظریه ذکر شده و نشان داده شده که چگونه مکتب کلاسیک جدید با استفاده از انتظارات عقلایی به یک نظام فکری دست یافته است. در بخش دوم مقاله از دیدگاه ابزارشناسانه، کاربرد نظریه در سیاستهای اقتصادی (پولی - مالی) بویژه در مبارزه با تورم و بیکاری تبیین شده و در پایان مقاله به اثرات انتظارات عقلایی در ادبیات اقتصادی و اندیشه اقتصاد دانان اشاره شده است.

مقدمه :

طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تحولاتی در اقتصاد کشورهای رخ داد که نتیجه آن عدم اطمینان سابق نسبت به سیاستهای تثبیتی پیشنهادی کینز بود. نارسائی نظریه کینز ناشی از تجدید نظر در بینش عوامل اقتصادی (۱) و شیوه نگرش آنها نسبت به موضوع "انتظارات آتی" متغیرهای اقتصادی بود. بدین ترتیب بحث "انتظارات" در ادبیات اقتصاد از زمینه لازم برای تحول و سپس تکامل اقتصاد کلان رافراهم کرد.

تحلیل مکانیسم شکل گیری انتظارات (۲) نخستین بار در سال ۱۹۶۰ توسط جان اف. مات (۳) تحت عنوان "انتظارات تطبیقی" (۴) پیرامون انتظارات قیمتی مطرح شد. انتظارات تطبیقی از دیدگاه جان اف. مات چنین تفسیری شود: تشکیل "انتظارات" در باره ارزش آتی یک متغیر (مانند متغیر قیمت) تنها براساس ارزشهای قبلی متغیر مربوطه است. عوامل اقتصادی، انتظارات آتی خود در باره یک متغیر را در ریز و تجربه شان از ارزش متغیر و تطبیق آن به آینده شکل می دهند. نظریه انتظارات تطبیقی هر چند از لحاظ منطق استدلال نسبت به نظریه بعدی مات یعنی "انتظارات عقلایی" ضعیف تر است ولی بخاطر سهولت کاربرد در مدل‌های اقتصاد بی‌شتر مورد استفاده قرار می گیرد.

یکسال بعد مات در مقاله دیگری به بحث در باره "انتظارات عقلایی" پرداخت، وی بمنظور توضیح اینکه چگونه انتظارات شکل گرفته اند، این فرضیه را که انتظارات اساساً همان پیش بینی مناسب

۱ - Economic agents

۳ - John.F. Muth

۲ - Expectations

۴ - Adaptive expectation

بر اساس تئوری های اقتصادی است مطرح نمود و انتظارات عقلایی را تبیین ساخت. با این اعتقاد که بکارگیری اصل رفتار عقلایی انسان اقتصادی حکم می کند که در شکل گیری انتظارات و دیدگاه فرد نسبت به آینده اطلاعات اقتصادی اکتساب شود. همچنین این نظریه مدعی است که افراد در پیش بینی خود دچار خطای سیستماتیک نمی شوند و حدس های آنها درباره آینده به طور متوسط صحیح است. افراد تمامی اطلاعات مناسب و در دسترس را برای دستیابی به دیدگاهی درباره آینده بکار می برند و همچنین اطلاعات را تا آنجا بکار می برند که هزینه نهایی اکتساب و پردازش اطلاعات مساوی منفعت نهایی بدست آمده از آن فعالیت باشد. در حالت حدی (نهایی) جایی که اطلاعات کامل است و هیچ عدم اطمینانی وجود ندارد، فرضیه انتظارات عقلایی می تواند به پیش بینی کامل دست یابد. بدین ترتیب با طرح "انتظارات" مساله زمان وارد مدل های اقتصادی شده و مدل به صورت پویا درمی آید. با این حال دهه اول زندگی فرضیه در کوتی حیرت انگیز سپری گشت و تنها جمعی از تحلیل گران بازاری مالی از آن استفاده کردند.

به اعتقاد پایه گذاران نظریه انتظارات عقلایی این نظریه ادعاهای ذیل را دارد:

- ۱ - اطلاعات کمهیاست و سیستم اقتصادی عموماً آنرا تلف نمی کند.
- ۲ - طریقی که انتظارات شکل می گیرد بطور مشخص بستگی به ساختار سیستم اقتصادی دارد.
- ۳ - "پیش بینی عمومی" تاثیر اساسی بر نحوه عمل سیستم اقتصادی نخواهد داشت.
- ۴ - این نظریه یک مفهوم تعادلی است که می تواند در مدل های اقتصادی دینامیک که دارای عناصر خود مرجعی (۱) هستند بکار گرفته شود. در این قبیل مدلها، متغیرهای درون زان انتظارات

مربوط به ارزشهای آتی متغیرهای اقتصادی تاثیر می پذیرند . مدلهای دارای تاخیرات توزیعی در اقتصاد سنجی از این مقوله اند .

مطالعه سیرتحول و تکامل منحنی فیلیپس ، مسیرتحولات نظریه انتظارات را روشن می سازد .

### زمینه ها و تحول تاریخی :

نظریه انتظارات در اوائل دهه ۱۹۷۰ به عنوان روایتی از منحنی فیلیپس مطرح گردید و در برگیرنده انتظارات قیمت بود . سپس الگوی انتظارات تطبیقی به عنوان جانشین های تجربی برای متغیرانتظارات قیمت که غیرقابل مشاهده بودند مورد استفاده قرار گرفت . پس از مدتی دریافتند که الگوی انتظارات تطبیقی عمدتاً بیان نادرستی از چگونگی تنظیم انتظارات قیمت از سوی مردم است . الگوی یاد شده ، رفتارانتظاراتی ساده ای را فرض می نماید ، بطوری که مردم انتظارات خود را منحصراً از طریق محاسبه متوسط وزنی ناشی از تجربه گذشته قیمت ها شکل می دهند و وزن های مورد بحث نیز ثابت بوده و مستقل از شرایط اقتصادی و اقدامات سیاستگذاری هستند . بدین ترتیب مردم تنها به تغییرات گذشته قیمت ها توجه می کنند و سایر اطلاعات از جمله تغییرات نرخ رشد پول و نرخ ارز ، مقاصد سیاستگذاری اعلام شده و مانند آنرا که می توانند در جهت کاستن خطاهای انتظاراتی مورد استفاده قرارگیرند ، نادیده می گیرند . به هر حال اینکه مردم از اطلاعاتی که موجب بهبود در صحت انتظارات ایشان می شود ، بی بهره می مانند از دیدگاه نظریه انتظارات تطبیقی امری غیرقابل تردید است . به همین جهت نواقص فرضیه انتظارات تطبیقی در جهت الگوسازی انتظارات منجر به ابداع انتظارات عقلایی در تحلیل های منحنی فیلیپس شد . برطبق فرضیه انتظارات عقلایی هنگامی که افراد مبادرت به پیش بینی قیمت می کنند ، از تمام اطلاعات مرتبط و موجود در مورد فرایند تورمی استفاده خواهند کرد . از اینرو افراد بطور سیستماتیک در پیش بینی هایشان مرتکب خطا

نمی شوند - به عبارت دیگر حدس هایشان درباره آینده بطور متوسط صحیح است . بنابراین در مواردی که اطلاعات کامل است و هیچ عدم اطمینانی وجود ندارد این فرضیه می تواند پیش بینی درستی ارائه دهد .

اگر موضوع انتظارات را با عمق بیشتری بررسی نماییم درمی یابیم که طرح نظریه انتظارات ریشه در روشهای فکری گذشته دارد . در واقع در وروش فکری که از ابتدا در اقتصاد کلان وجود داشت ، در دهه ۱۹۶۰ دوباره مطرح گردید . بک مکتب معتقد بود که اگر بازارها را به حال خود رها کنیم به بهترین نحو عمل خواهند کرد و مکتب دیگر معتقد بود که مداخله دولت می تواند بطور قابل ملاحظه ای عملکرد اقتصاد را بهبود بخشد . دهه ۱۹۶۰ شاهد طرح اینگونه مباحث توسط دو گروه از طرفداران کینز بود . در یک طرف پولی گرایان (۱) به رهبری میلیتون فریدمن و در طرف دیگر فرانکو مودیلیانی و جیمز توبین قرار داشتند .

در دهه ۱۹۷۰ بحث درباره همان موضوعات توسط گروه جدیدی با عنوان دانشمندان کلاسیک جدید (۲) مطرح گردید در همین مرحله بود که نظریه انتظارات تطبیقی رد شده و انتظارات عقلایی عنوان شد . رابرت لوکاس در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ و بدنبال وی توماس سارجنت ، نیل والاس و رابرت بارو ، دامنه نظریه انتظارات عقلایی را گسترش دادند - این گروه از اقتصاددانان در ادبیات اقتصاد کلان طی دهه ۱۹۸۰ همچنان بانفوذ و موثر باقی مانده اند .

مکتب کلاسیک جدید دارای دو محور اساسی است : ۱ - نظریه انتظارات عقلایی و ۲ - کلاریتی تعادل بازار . این دیدگاه همچنین در بسیاری از موضوعات سیاست اقتصادی با فریدمن مشترک است .

ادبیات مذکور جهان راه عنوان جامعه ای می داند که افراد بطور عقلایی بر اساس نفع شخصی در بازار عمل می کنند و به سرعت با تغییر شرایط ، خود را تعدیل می نمایند . به همین جهت معتقدند : دولت باید اخله خود امور را بدتر خواهد کرد . در واقع ادبیات جدید مبارزه ای با اقتصاد کلان سنتی است که برای فعالیت مقید دولت در اقتصاد نقشی قائل است و لذا آمد اخله دولت در امور اقتصادی راه عنوان تعدیل کننده ای تدریجی می داند که به دلیل انعطاف ناپذیری های موجود در برخی بازارها ، فقر اطلاعات و مسائل سیاسی - اجتماعی نمی تواند حصول تعدیل در بازارها (۱) را تسریع نماید . بلکه حتی آسرتهدید می کند . به اعتقاد نظریه " انتظارات عقلایی " ، ساخت انتظارات هوشمندانه صورت می گیرد . ادعای بزرگ فرضیه انتظارات عقلایی این است که هر چند در تشکیل انتظارات صحیح بدلیل کمبود اطلاعات مخاطراتی وجود دارد ولی " عدم اطمینان نسبت به انتظارات عرفی و منطقی " نمی تواند نقشی بازدارنده در حرکت های فردی و جمعی برای پیش بینی روند آتی داشته باشد . باید یرفتن این فرضیه ، دیدگاه برنامه ریزی در اقتصاد کاملاً دگرگون می شود . از طرف دیگر عقلایی بودن ایجاد می کند که خطاهای انتظاراتی جاری با خطاهای گذشته و سایر اطلاعات شناخته شده همبستگی نداشته باشند و گویی با تصحیح خطاهای گذشته ، پیش بینی های قیمت با دقت بیشتری صورت می گیرد . هم اکنون نظریه انتظارات عقلایی بصورت " روش تعدیل مدوم بازار - انتظارات عقلایی " تکامل یافته و به عنوان اصل مرکزی مکتب کلاسیک جدید مطرح است . توجه سوداگری کالایی با در نظر گرفتن انتظارات عقلایی چنین است : در وضعیت کنونی با افزایش قیمت کالا ، طبق قانون تقاضا میزان تقاضای افراد از آن کالا کاهش می یابد ولی اگر مردم

پیش بینی کنند که بر اساس عملکرد گذشته اقتصاد، قیمت‌ها در آینده افزایش خواهد یافت، آنگاه تقاضای مصرف کنندگان افزایش می‌یابد و انتظارات عقلایی مربوط به قیمت در افزایش تقاضای مصرف کنندگان تجلی می‌گردد. از طرف دیگر تولید کنندگان با پیش بینی افزایش قیمت اقدام به انبارداری خیره (احتکار) کردن کالا می‌نمایند. چنین عملکردی توسط مصرف کنندگان و تولید کنندگان بر اساس انتظارات عقلایی پدید می‌آید و سود آگری کالا را بوجود می‌آورد.

علاوه بر آن طرفداران این مکتب معتقدند انتظارات مبتنی بر تمام اطلاعات متناسب اقتصادی است. معتقدان به اقتصاد کلان کلاسیک جدید مانند پولی‌گرایان تمایل به دیدگاه‌های محافظه کارانه دارند و نقش بالنسبه کوچکی برای سیاست فعال دولت در اقتصاد قائل هستند. زیرا اینان قائل به تعادل بازارها می‌باشند و می‌گویند: مردم به دنبال منافع خود هستند و در نتیجه فضای اندکی برای دولت جهت بهبود اوضاع اقتصادی باقی می‌ماند. در این صورت سیاست دخالت فعال دولت به ندرت می‌تواند موفقیت آمیز باشد زیرا عکس العمل بنگاه‌های اندیشمند و مصرف کنندگان عقلایی در مقابل عملکرد دولت، بستگی به نحوه فکرکردن بخش خصوصی در باره اهداف سیاست‌های دولت دارد. برغم آنچه گفته شد، با وجود اشتراک در موارد بسیار، اقتصاددانان کلاسیک جدید ضرورتاً پولی‌گرایان نیستند.

در بحث مصرف نظریه انتظارات عقلایی بیشتر با تئوری درآمد دانی سازگار است زیرا به نحو بهتری می‌تواند با توجه به رفتار گذشته درآمدی فرد، در باره درآمد‌های آتی فرد اظهار نظر و پیش‌بینی کند. هر چند ترکیبی از پیامدهای انتظارات عقلایی و تئوری مصرف چرخه زندگی - درآمد دانی در توضیح امر کاملتر و پیشرفته تر خواهد بود.

سیاستگذاری اقتصاد کلان از دیدگاه نظریه انتظارات عقلایی :

الف - تورم :

پاسخ دادن به این پرسش که تورم مورد انتظار، جبران تورم گذشته یا اجتناب از تورم آینده است ؟ چند ان آسان نیست - نظریه ای که طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای پاسخ به این پرسش عمدتاً مورد استفاده قرار گرفت ، نظریه انتظارات تطبیقی بود . در نظریه مزبور تجزیه و تحلیل تورم بر اساس رفتار گذشته قیمت‌ها صورت می‌گرفت بنابراین در نظریه انتظارات تطبیقی ، نرخ تورمی که برای سال بعد مورد انتظار است ، در واقع انطباق نرخ تورم سال گذشته است . در این صورت نظریه مزبور قادر به بیان این مطلب نیست که تورم موجود نمایانگر تورم مورد انتظار است یا جبران تورم گذشته .

دیدگاه انتظارات عقلایی بسیار وسیع‌تر و کلی‌تر از نظریه قبلی است ، زیرا چنین استدلال می‌کند که تعیین کننده های نرخ تورم مورد انتظار می‌تواند از رفتار واقعی تورم نشأت گیرد . فرضیه انتظارات عقلایی نظریه ای است که مردم انتظارات شان از تورم ( یا هر متغیر اقتصادی دیگر ) را بر اساس تمام اطلاعات در دسترس اقتصادی درباره رفتار آینده آن متغیر بنامی سازند و در تشکیل انتظارات مرکب خطاهای سیستماتیک نمی‌شوند ( مانند پیش بینی تورم کمتر از واقع ) ، به همین جهت تنها تغییرات غیرمنتظره در سیاست پولی دارای اثرات واقعی خواهد بود .

فرضیه انتظارات عقلایی پیشنهاد می‌کند که بهترین حالت آن است که در فرموله کردن سیاست اقتصادی فرض نماییم مردم بزودی درمی‌یابند که چگونه یک سیاست خاص عمل می‌کند و به همین جهت یک سیاست اقتصادی در مدت زمان محدودی عمل کرده و موثر می‌گردد .

طی دهه ۱۹۸۰ طرح انتظارات عقلایی توانسته است تئوری اقتصاد کلان را متحول ساخته و



آنرا بازسازی نماید. همانطور که ذکر گردید یک دزد ساده، انگیزه ایجاد ایده انتظارات عقلایی بود:

"مردم بطور سیستماتیک اطلاعاتی که در دسترس آنهاست نمی توانند برای بهبود تصمیمات شان مورد استفاده قرار گیرد و نادیده نمی گیرند" - هر چند فرضیه انتظارات عقلایی با مجموعه جدیدی از مفاهیم و ابزاران جدیدی استدلال می نماید ولی هدفش تنها ارائه جواب های جدید به سوالات قدیمی نیست، بلکه دیدگاههای جدیدی نیز در باره سوالات قدیمی ارائه می دهد. شاید یکی از دلائل مقاومت در برابر نظریه انتظارات عقلایی در اقتصاد کلان همین کنار گذاشتن و تغییر تدریجی زبان سنتی و ابزارهای کاربرد در اقتصاد کلان بوده است.

در بررسی تورم از دیدگاه نظریه مورد بحث در اصل باید مورد توجه قرار گیرد:

۱ - اصل وابستگی متقابل استراتژیک (۱): مقصود از این اصل آن است که الگوی رفتاری یک فرد بستگی به الگوهای رفتاری سایر افراد دارد که محیط وی را شکل می دهند. هنگامی که الگوهای رفتاری عواملی که محیط فرد را شکل می دهند تغییر کنند، آن فرد می تواند از تعدیل الگوی رفتاری خود منتفع گردد. این اصل در قلب تئوری انتظارات عقلایی جای دارد، در حالیکه در ادبیات اقتصاد کلان طرفداران کینز نادیده گرفته شده بود.

۲ - اصل هماهنگی سیاستهای پولی و مالی: از این دیدگاه، درمان "پولی محض" (۲) برای تورم وجود ندارد. البته در صورتی که درمان پولی محض به معنای سیاسی باشد که می تواند توسط بانک مرکزی بدون کوچکترین کمکی از مقامات مالیاتی و هزینه ای به اجرا درآید. در غیر اینصورت درمان پولی و مالی بصورت هماهنگ، موثر خواهد بود.

1. The principle of Strategic interdependence

۲. Purely Monetary

در نظر گرفتن د واصل فوق الذکر در قالب نظریه انتظارات عقلایی مارتاد خواهد ساخت

تابتوانیم شروع و بیان حالتهای تورمی را تفسیر نماییم .

توماس سارجنت در کتاب " انتظارات عقلایی و تورم " (۱) تحلیل خود را بر اساس اقتصاد

کلان بازسازی شده با توجه به نظریه انتظارات عقلایی آغاز نموده و ضمن آن مدلهای اقتصاد سنجی

را بر طبق قوانین بازی (۲) تفسیر می نماید . در این ارتباط از پیش بینی درباره برد و باخت

تیم های فوتبال استمداد می جوید و بازیکنان این بازی پویای اقتصاد را دارای یک استراتژی می داند .

از نظر سارجنت صحنه هراقتصادی شامل ۳ بازیگراست : ۱ - عموم مردم ۲ - مقامات پولی

۳ - مقامات مالی . عموم مردم شامل خانوارها ، کارگزاران دولتی و اعضای شرکتهای سهامی هستند که

در صورت استقلال بانک مرکزی ، تصمیمات مربوط به مصرف ، سرمایه گذاری ، اشتغال بخش خصوصی و

پرداخت مالیات را به عهده دارند . مقامات مالی تصمیم گیرنده درباره هزینه های عمومی و نرخهای

مالیات هستند و مقامات پولی از طریق ابزارهای سیاست پولی بر حجم پول تاثیر گذاشته و فعالیتهای

اقتصادی را هدایت می نمایند .

در نظریه انتظارات عقلایی عکس العمل متقابل بازیگران صحنه اقتصادی به عنوان یک تیم

بررسی می شود . عدم هماهنگی سهامیگیر صحنه اقتصادی مشکلاتی می آفریند . بر اساس رژیم بیکاردو

تصمیمات مقامات پولی بر سیاستهای مالی تاثیر می گذارند ولی بر اساس رژیم فرید من ، تصمیمات

مقامات مالی و بودجه ای بر تصمیمات مقامات پولی برتری دارد . واقعیت آن است که هر کدام از دو

۱ - Sargent, Thomas, " Rational expectation and inflation , " Harper & Row , U.S.A , 1986

۲ - Rules of the game

رژیم قطبی (۱) یاد شده مسئولیت نسبی در شروع تورم را به عهده دارند و سپس سایر سیاست‌های دولت برتند اوم تورم تاثیر می‌گذارد. تحت رژیم فرید من کسری بودجه پیامد‌های فوری و مستقیم روی تورم دارد. از اینرو در سیاست مالی باید روند تعادل درآمد - هزینه را در پیش گرفته. اما پایان تورم: مقابله با تورم نازنده در کشورهای آلمان، اتریش، مجارستان و لهستان با توجه به تحلیل‌های نظری بازی‌ها بر اساس نظریه انتظارات عقلایی بنا به اعتقاد سارجنت از دو طریق صورت گرفته است:

اول: ایجاد بانک مرکزی مستقل که در مقابل کسری بودجه دولت مقاومت به خرج داده و از تزریق اعتبار جدید ممانعت بعمل آورده است (رژیم فرید من).

دوم: تغییر همزمان رژیم سیاست مالی (رژیم ریکاردو).

اقدامات اخیرالذکر مرتبط و هماهنگ به اجرا درآمد و بدین ترتیب از تورم بسیار شدید جلوگیری بعمل آمد. بدین ترتیب پایان چهار تورم بزرگ در کشورهای فوق‌الذکر با استفاده همزمان از دو سیاست پولی و مالی صورت گرفته است. روش‌های دیگری نیز برای مهار تورم‌های معتدل بر اساس تفسیر انتظارات عقلایی وجود دارد که در روش عمده روش‌های بونکر در فرانسه و تاجر در انگلستان است. روش‌های مذکور در نگاه خوشبینانه ای از کارایی برنامه ریزی برای روند تدریجی سیاست پولی انقباضی، همزمان با کاهش تدریجی کسری دولت ارائه می‌دهد و بدین ترتیب تورم را مهار می‌کند.

ب - بیکاری:

پرچم پولی گرایان که توسط فرید من برافراشته شد، بدست رابرت لوکاس

در نظریه انتظارات عقلایی مجدداً به اهتزاز درآمد. لوکاس با استفاده از این نظریه بازار کار را مورد تحلیل قرار داد. وی در مکتوبات خود چنین نگاشت:

" هر چند مردم دارای اطلاعات کامل از بازار کار نیستند، اما این امر عامل ایجاد دوره های طولانی بیکاری وسیع نخواهد بود، زیرا افراد با استفاده از تئوریها و اطلاعات اقتصادی شان در بازار کار چنان عمل می کنند که گویا دارای اطلاعات کافی از بازار هستند. دولت نیز نمی تواند بر حجم بیکاری تاثیر قابل ملاحظه ای بجای گذارد، بلکه تنها بر نرخ بیکاری تاثیر می گذارد."

دیدگاه لوکاس نقش مهمی در توسعه اندیشه پولی گرایان جدید ایجاد کرد و نظریات منتشر شده توسط پولی گرایان را تقویت کرد و با انکاء بر اینکه سیاستگذاری دولت برای ایجاد تحول در بازار کار اساسا ناتوان است، در توابع بیکاری از تاخیرات توزیعی نیز بهره جست. به اعتقاد نظریه پرداران انتظارات عقلایی اگر دولت بین ۳ تا ۷ سال در بازار کار مداخله نکند، این بازار به تعادل می رسد. لوکاس توجیه آنرا در تاخیر زمانی در اکتساب اطلاعات (۱) و همبستگی پنهانی موجودی سرمایه در مدت زمان معینی می داند.

تاخیر در دریافت اطلاعات اقتصادی هنگامی رخ می نماید که به علت عدم آگاهی عموم از موجودی اولیه سرمایه در سیستم اقتصادی عوامل اقتصادی، موجودی پولی را کمتر برآورد نمایند و همین امر به نوبه خود باعث برآورد کمتر سطح قیمت ها می گردد.

به اعتقاد فیشر قرارداد های کارگری که به شاخص نرخ تورم مرتبط باشد می تواند قدرت خرید نیروی کار را در حالت تورمی بر اساس انتظارات عقلایی حفظ کند.

نظریه جستجو (۲) در بازار کار به معنای انجام فعالیتهای جستجوگرانه برای بدست آوردن اطلاعات کامل از بازار کار به واسطه بسط ایده انتظارات عقلایی بدین ارگشت. در هیچ یک از دو

مکتب کلاسیک و کلاسیک جدید، بیکاری به عنوان یک مساله اقتصادی قلمداد نمی‌گردد، زیرا معتقدند بیکاری نمی‌تواند به طور اتمی وجود داشته باشد. اعتقاد به کارکرد کامل بازار دلالست بر این دارد که تنها موردی که ممکن است بیکاری پدید آید در حالتی که دستمزدها بالاتر از دستمزد تعادلی بازار کار قرار داشته باشد، در این مورد برقراری بیمه بیکاری و فعالیت اتحادیه‌های کارگری از ظهور پدیده بیکاری در سطح گسترده جلوگیری می‌کند. بنابراین کارگران با توجه به انتظارات عقلایی پیش‌بینی بهتر و واقع‌بینانه‌تری از سطح آتی قیمت‌ها دارند.

پیامدهای انتظارات عقلایی در سیاستگذاری اقتصادی:

نظریه انتظارات عقلایی منجر به یک دیدگاه پیچیده از سیاستگذاری اقتصادی گردیده است. در واقع فرضیه مورد بحث اعتقاد دارد که عوامل اقتصادی بطور مکانیکی به هر تغییر سیاستی واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه می‌کوشند تا در پیابند که معنای تغییر سیاست اقتصادی برای رفتار و عملکرد اقتصاد چیست و در سیاست اقتصادی آینده چه تغییراتی ایجاد خواهد شد. آنگاه بر اساس آن رفتار خود را شکل می‌دهند. به همین لحاظ در عنصر مهم سیاستگذاری در اقتصاد کلان طبق این نظریه چنین عنوان می‌شود:

۱ - معتبر بودن (۱) عکس‌العمل افراد نسبت به تصمیمات اقتصادی، بستگی به تفسیرشان درباره تصمیمات آتی در سیاست اقتصادی دارد. به عنوان مثال فرض کنید بانک مرکزی اعلام کند که نرخ رشد پول و استقرار از بانک مرکزی یا خزانه داری و ۰۰۰۰ کاهش خواهد یافت. در صورتی که مردم به اعلان بانک مرکزی اعتماد داشته باشند، درخواست افزایش حقوق و دستمزد برای مقابله با تورم

نداشته و نتیجتاً بانک مرکزی قادر نخواهد بود نرخ رشد پول را کاهش دهد بدین آنکه هیچ هزینه شخصی متحمل گردد. از طرف دیگر در صورتی که مردم به بانک مرکزی یا مسئولان اقتصادی اعتماد نداشته باشند در تبعیت از تصمیمات آنها دچار تردید شده یا از آن اجتناب می‌ورزند. زیرا اعتبار سیاستگذاری از دست رفته است و بدین جهت سلب اعتماد عامه عامل عدم موفقیت سیاستگذاری اقتصادی می‌شود.

۲ - فرم نهادی (۱) روش انتظارات عقلایی تعادل بازار، همچنین برای دستیابی به تغییرات مطلوب در رفتار اقتصاد عمومی از تغییرات نهادی استفاده می‌کند و بیش از آنکه به تعیین سیاست مشخص اقدام کند، بدینال اصلاح و بهبود عملکرد سیاستهای سنتی تجربه شده و موثر با روشهای نوین و تحلیلهای انتظارات است.

اعضاء مکتب انتظارات عقلایی در مورد امکان پیش بینی چگونگی پاسخ و عکس العمل عمومی مردم در کوتاه مدت نسبت به تغییر سیاستی خاص شك دارند زیرا پاسخ عمومی مردم به چگونگی تاثیر اقدامات سیاسی بر انتظارات دارد. البته در بلندمدت پیش بینی اثرات سیاستها بر تصمیم و عکس العمل عمومی مردم کاملاً امکان پذیر است.

اعضای مکتب انتظارات عقلایی همچنین حامی هرگونه اصلاح اساسی در تراز بودجه هستند. زیرا اصلاح عدم تعادل بودجه دولت دارای اثر بسیار قوی بر انتظارات عمومی است. همچنین در مواجهه با تورم دهه ۱۹۸۰، بهترین راه برای تغییر رفتار بانکهای مرکزی در انتشار پول را تغییر محیط نهادی می‌دانند که سیاست اقتصادی در آن عمل می‌کند.

## ۱- Institutional reform

علاوه بر آن طرفداران این مکتب درباره سیاستهای پولی بسیار حساس و دقیق هستند و معتقدند: تنها تغییرات غیرمنتظره و غیرقابل پیش بینی پول توسط عموم مردم بر تولید واقعی تأثیر می گذارد. شعار دیگری که بدان اعتقاد راسخ دارند این است که "انتظارات عموم مردم سرانجام به واقعیت دست می یابد".

از اینجا شاید بتوان نقاط مشترک و جوه تمایز نظریه پولی گرایان و طرفداران نظریه انتظارات عقلایی را جملا شناخت:

در حالی که پولی گرایان فرض می کنند انتظارات بطور سیستماتیک ممکن است صحیح نباشد و بازارها به کندهی به تعادل می رسند، پیروان نظریه انتظارات عقلایی تقریباً خلاف آنرا معتقدند. تحلیل پولی گرایان در چارچوب تحلیل کینزی می گنجد، در حالی که نظریه انتظارات عقلایی معتقد است که چارچوب استاندارد کینزی اساساً ناقص است و دقیقاً به همین جهت است که مکتب کلاسیک جدید گسترش یافته است و چنین استدلال می کنند که اطلاعات ناقص مسئول چرخه تجاری (1) است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که روش مورد بحث در واقع یک حمله رادیکال به ادبیات استاندارد و سنتی اقتصاد کلان است.

مکتب کلاسیک جدید تاکنون اثرات ذیل را داشته است:

- تأثیر اساسی در روش اندیشیدن و تجزیه و تحلیل اندیشمندان و سیاستگذاران اقتصادی.
- طرح انتظارات عقلایی به عنوان تئوری پیشرفته در تفسیر انتظارات.
- ایجاد یک دستگاه تحلیلی در اقتصاد کلان که در ارزیابی عملکرد اقتصاد به تحلیل انتظارات

عموم مردم انکار دارد.

- این مکتب بسیار ستیزه جو، پرخاشگر و شکننده چارچوبهای سنتی اقتصاد کلان است.
- اغلب اقتصاددانان هم اکنون اشکالی از انتظارات عقلایی را پذیرفته اند و در تفسیر پدیده های اقتصادی آنها به عنوان یک عنصر مهم مد نظر قرار می دهند.
- در پایان می توان گفت هر چند نظریه انتظارات عقلایی به افراد و بینگاہهای اقتصادی کمک می کند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و فعالیتهای شان بهینه باشد ولی ممکن است انسانها به طور عقلایی این رویه را انتخاب کنند که برای تبعیت از موازینی که به طور منطقی و استدلالی پذیرفته اند، بر اساس تحلیلهای انتظارات عقلایی و رویه انسان اقتصادی مورد نظر اقتصاد متعارف رفتار نکنند.
- در این صورت مکتب کلاسیک جدید در تحلیل تعادل کلی اقتصاد موفق نخواهد بود.

منابع :

- ۱- Barro, Robert, " Rational expectations and the role of Monetary Policy " Journal of Monetary Economics " 1976. Vol:5.
- ۲- Chow, Gregory " Econometrics " , Mc Grow Hill , 1983 , Chapter 11.
- ۳- Fischer, Standly & Durnbuch, " Macroeconomics, " 1984. 4th edition.
- ۴- Humphrey, Thomas, "The evolution and policy implications of phillips curve analysis, " Economic Review, Mc Grow Hill



- 
- 1985 , volume 20 , Federal Reserve Bank of Richmond.
- ۵ - "Macmillan Dictionary of Modern Economics",1986, U.S.A.
- ۶ - Sargent, Thomas & Lucas, Robert, "Rational expectations : Theory and Practice , London .1981 .
- ۷ - Sargent, Thomas & Wallace, Neil, " Rational expectations and the theory of Economic policy."Journal of Monetary Economics " , 1976 , Vol .5.
- ۸ - Sargent, Thomas, " Rational Expectations & Inflation," Harper & Row . New York , 1986.
- ۹ - Branson,William ; . Macro Economic Theory and Policy", third edition , 1989 , Harper & Row publishers.
- ۱۰ - "The New Palgrave Dictionary of Economics",edited by : John Eat Well & others , Macmillan press , 1987.
- ۱۱- Muth, John, F," Optimal Properties of Exponentially - Weighted Forecasts ".Journal of " American Statistical Association " 1960. Vol.55.
- ۱۲- .... , " Rational Expectations and the Theory of Price Movements , " Econometrica",Vol,29,No.3,July 1961.